

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در دیدار با بانوان طلبه کرمان:

آموزش عمیق پیش‌نیاز پژوهش مؤثر است

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در دیدار جمعی از بانوان طلبه کرمان، با تبیین نقش هدف‌گذاری و پشتکار در پیشرفت علمی، بر ضرورت فراگیری عمیق علوم حوزوی و پیوند آموزش با پژوهش تأکید کرد.

به گزارش آستان‌نیوز، احدفرامرز قراملکی، رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در جمع خواهران طلبه حوزه‌علمیه کرمان که از این بنیاد بازدید کردند، امیدواری را فراتر از آرزوبرداری دانست و گفت: امید زمانی به حرکت و اثرگذاری می‌انجامد که با هدف‌گذاری درست، شناخت راه‌رسیدن به هدف و استمرار در تلاش همراه باشد. وی با اشاره به حکمت ۱۵۰ نهج‌البلاغه و هشدار امیرالمؤمنین(ع) درباره امید بستن به آخرت بدون عمل، اظهار کرد: باید میان امیدی که به انسان نشاط و توان حرکت می‌دهد و آرزوهایی که عمر او را در خیال پردازی سپری می‌کند، تفاوت قائل شد.

قراملکی، انتخاب هدف متناسب با استعدادهای فردی و نیازهای جامعه را نخستین گام این مسیر برشمرد و افزود: هر فرد باید به تدریج بشناسد چه کاری از او بهتر برمی‌آید و توان خود را در همان مسیر به کار گیرد؛ البته هدف‌گذاری به‌تنهایی کافی نیست و یافتن راه مناسب و پایداری در برابر دشواری‌ها نیز ضرورت دارد.

■ دانش‌های پایه را ناتمام رها نکنید

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با تأکید بر نقش پشتکار در تحصیل علوم حوزوی گفت: یکی از آسیب‌های مسیر تحصیل، ناتمام رها کردن آموخته‌ها و بسنده کردن به دانسته‌های پرکنده است؛ در حالی که فهم دقیق متون تخصصی، به فراگیری استوار دانش‌های مقدماتی نیاز دارد.

وی با اشاره به جایگاه ادبیات عرب در فهم متون حوزوی بیان کرد: طلبه باید صرف، نحو، بلاغت و دیگر دانش‌های مورد نیاز را به اندازه کافی و به‌درستی فراگیرد تا در مواجهه با متونی مانند مکاسب، گرفتار ضعف در خواندن و فهم عبارت‌ها نشود.

قراملکی همچنین فراگیری دقیق منطق را برای تشخیص مغالطه‌ها ضروری دانست و افزود: بخشی از آنچه در فضای مجازی با آن مواجه می‌شویم، نیازمند توان تحلیل است و آشنایی عمیق با منطق می‌تواند در شناخت خطاهای استدلال و ارزیابی سخنان به ماکمک کند. وی تأکید کرد: کامل خواندن یک دانش با متوقف ماندن در آن، تفاوت دارد؛ همان‌گونه که نباید مقدمات را شتاب‌زده و پرکنده آموخت، نباید چنان در آن‌ها متوقف شد که فرصت ورود به مراحل بعدی تحصیل از دست برود.

■ متن درسی، فرصتی برای مشارکت در گفت‌وگوی علمی

قراملکی در ادامه، آموزش پژوهش محور را فراتر از حفظ مطالب و آمادگی برای امتحان توصیف کرد و گفت: متون مهم علمی حاصل گفت‌وگوی نویسندگان با اندیشمندان پیش از خود هستند و پس از نگارش نیز موضوع نقد و بررسی قرار گرفته‌اند؛ از این رو، خواندن پژوهشگرانه یک متن، به معنای مشارکت فعال در این گفت‌وگوی علمی با راهمایی استاد است.

وی با اشاره به کتاب «کفایة الاصول» توضیح داد: برای فهم پژوهشگرانه چنین متنی، باید پرسش‌ها، دیدگاه‌های پیشین و نسبت استدلال‌های نویسنده با آن‌ها را شناخت و به دریافت عبارت‌ها بسنده نکرد.

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در عین حال، ورود شتاب‌زده به پژوهش پیش از کسب آموزش کافی را آسیب‌زا دانست و تصریح کرد: پژوهشی که بر آموزش استوار تکیه نداشته باشد، می‌تواند به بدفهمی و تصور نادرست از نوآوری بینجامد؛ گاه فرد، به دلیل ناشناختی با پیشینه یک بحث، مطلبی را تازه می‌پندارد که پیش‌تر مطرح شده‌است.

وی با تأکید بر اینکه نباید از درخت علم زود چیده شود، افزود: باید میان کسب آمادگی علمی و آغاز پژوهش تعادل برقرار کرد؛ نه آموزش را بی‌پایان ادامه داد و نه پیش از فراهم شدن مقدمات لازم، وارد پژوهش شد.

قراملکی در پایان، با یادآوری اهتمام حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی (قدس الله نفسه الزکیه) به مطالعه و دقت در آثار، مطالعه مستمر و تأمل در خواننده‌ها را از عوامل مهم رشد علمی دانست.

آستان قدس رضوی و جایزه جهانی شهید صدر در مسیر توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی

معاونت امور بین‌الملل آستان قدس رضوی میزبان نشست‌ی با مدیران بین‌الملل جایزه جهانی شهید صدر بود که در آن، زمینه‌های همکاری مشترک و فرصت‌های توسعه فعالیت‌های علمی و فرهنگی میان دو مجموعه به بحث و تبادل نظر گذاشته شد.

به گزارش آستان‌نیوز، در دیدار معاون امور بین‌الملل آستان قدس رضوی با مدیران بین‌الملل جایزه جهانی شهید صدر در مشهد، ظرفیت‌های همکاری مشترک در عرصه‌های علمی و فرهنگی و زمینه‌های گسترش تعاملات میان نهادهای علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و این جایزه جهانی بررسی شد. در این نشست که به میزبانی معاونت امور بین‌الملل آستان قدس رضوی برگزار شد، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری، معاون امور بین‌الملل آستان قدس رضوی و مدیران اجرایی جایزه جهانی شهید صدر درباره زمینه‌های همکاری مشترک و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای توسعه فعالیت‌های علمی و فرهنگی به گفت‌وگو پرداختند.

در این دیدار، ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدام‌های انجام شده، ظرفیت‌های همکاری در چارچوب برنامه‌های علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و جایزه جهانی شهید صدر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

همچنین، گسترش تعاملات علمی و فرهنگی در سطح ایران اسلامی و جهان اسلام و شناسایی عرصه‌های مشترک فعالیت میان نهادهای علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و دبیرخانه جایزه جهانی شهید صدر از محورهای این نشست بود.



چشم و هم‌چشمی و اشراقیت نمی‌شود و افزایش رفاه مادی، روح همدلی و مواسات، غیرت دینی و دغدغه‌مندی اجتماعی را در آن خاموش نمی‌کند.

■ «خانواده فاطمی» این گونه است

بر پایه این روش‌شناسی دقیق اجتهادی، خانواده فاطمی را می‌توان چنین تعریف کرد: «خانواده فاطمی، نهادی مقدس، آرامش‌بخش، تکلیف‌محور و مأموریت‌گرا بر پایه آموزه‌های قرآنی «توحید» و «ولایت» است که در آن زن و شوهر با پیوند عمیق عاطفی و هم‌سنگری ایمانی، محیطی سرشار از کرامت، نشاط و معنویت‌بری پرورش نسلی پاک، عادل و بصیر می‌سازند و کانون خانه را به سنگری برای خدمت به‌بندگان خدا و پیشرفت جامعه اسلامی تبدیل می‌کنند».

خانواده فاطمی، خانواد‌ای در حصار رفاه‌زدگی و خودخواهی‌های فردی نیست؛ کانونی زنده است که از معنویت و آرامش درونی آغاز می‌شود و به مسئولیت اجتماعی و تمدنی امتداد می‌یابد. در این تعبیر، خانواده یک فضایی‌بندگی و میدان جهاد مشترک است؛ کانونی که اضلاع درونی آن با اکسیر محبت و کرامت به هم تنیده و دیوار بیرونی آن معطوف به باری جبهه حق و جریان‌سازی توحیدی در تاریخ است.

■ ارکان هفت‌گانه خانواده فاطمی در جامعه امروز

برای اینکه این تعریف از ساخت یک آرمان‌نظری خارج شده و به نقشه‌ای عملیاتی در زیست خانوادگی تبدیل شود، نیازمند شناسایی پایه‌های آن هستیم. این ارکان هفت‌گانه همچون هفت ستون اصلی یک عمارت ایمانی عمل می‌کنند که تعادل روانی، تعالی اخلاقی و بالندگی اجتماعی خانواده را تضمین می‌کنند.

■ رکن اول: رکن غایی و هویتی؛ توحیدمحوری و جهت‌گیری ولایی

ارزش‌های فاطمی پیش از هر چیز قیله و جهت دارد. دخل و خرج‌ها، معاشرت‌ها و تربیت فرزند با این معیار سنجیده می‌شود: «آیا این رفتار، مرضی خدا و ولی او است؟» این رکن هویتی موجب می‌شود خانواده را روزمرگی و پوچی نجات یابد و تمام اراده‌ها در مدار نصرت امام حق و نیل به سعادت ابدی همسو شوند. خانه‌ای که لقمه حلال، حیا، التزام عملی به فرامین ولی جامعه و اهتمام به اقامه نماز، خط قرمز آن است و اسیر زیست خثنی یا سکولار نمی‌شود. نمود بارز آن در نظم‌دهی به برنامه‌های خانه بر محور اوقات نماز، حساسیت نسبت به طهارت مال و پیوند دادن عاطفه فرزندان با ولایت و امامت است. در چنین کانونی، «توحید» قطب‌نمای زندگی و تصمیم‌گیری‌های حیاتی و تعیین‌کننده سبک زندگی است.

■ رکن دوم: رکن عاطفی و روانی؛ آرامش، مودت و کلام گرمانه

خانه فاطمی، میدان تنازع قدرت یا تخلیه خستگی‌های بیرون نیست؛ مهد آرامش متقابل است. امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «هر گاه به فاطمه می‌نگریستم، غم‌ها و اندوه‌ها از دلم رخت برمی‌بست». خانه جایگاهی است برای ترمیم فرسایش‌های روحی ناشی از کنش‌ها و فعالیت‌های بیرونی تا تنش‌ها به درون کشیده نشوند و پیوند زوجین بر مهر بی‌پیرایه بنا شود. نامیدن یکدیگر با تعابیر محترمانه و مهرآمیز، حل تعارضات با گفت‌وگوی صبورانه، شنیدن فعال و پرهیز از سرکوفت، طعنه و تحقیر نمود عینی آن در زندگی‌های امروزی است. تجلی این رکن در ابراز محبت آشکار والدین پیش چشم فرزندان، برقره و استقبال پرمهر و حاکمیت آرامش کلامی هنگام بحران‌های روزمره است. این آرامش معنوی و اصیل، محافظی در برابر

خانواده فاطمی منظومه زنده، پویا و همه‌زمانی بر اساس اسناد دینی و روایی است

شیوه الگوگیری از ۷ رکن زیست فاطمی در روزگار ما

اضطراب‌های جهان مدرن است که روان اعضای خانواده را از گزند مصون می‌دارد.

■ رکن سوم: رکن اقتصادی و زیستی؛ قناعت، تعادل و برکت‌محوری

در مکتب فاطمی، ارزش زندگی به میزان انباشت کالا در خانه نیست؛ به میزان برکت و صفا در گذران زندگی است. ساده‌زیستی به معنای فلاکت نیست؛ سبک‌باری در مسیر رشد و پرهیز از مسابقه تباه‌کننده تجملات است. قناعت در این نگاه، نوعی استقلال روحی و تمرکز بر داشته‌های اصیل است تا آسایش واقعی فدای زیاده‌خواهی و حرص نشود. ایستادگی در برابر مصرف‌زدگی فضای مجازی، تفکیک نیازهای واقعی از نیازهای کاذب و مدیریت هوشمندانه دخل و خرج با حفظ عزت نفس، در این راستا تعریف می‌شود و نمود عینی آن پرهیز از مصرف‌گرایی و خریدهای وسواسی و چشم و هم‌چشمی است که ثمره این تعادل، رهایی از اضطراب بی‌پایان معیشت و دستیابی به فراغت ذهنی برای معنویت و عبادت، تفکر و لذت بردن از پیوندهای اصیل خانوادگی است.

■ رکن چهارم: رکن تربیتی و نسلی؛ مهندسی کرامت، حیا و تربیت عینی

در فرهنگ فاطمی، فرزند کالایی برای فخر فروشی یا ابزاری برای تحقق آرزوهای جامانده والدین نیست؛ امانتی الهی است که باید با تکریم شخصیت، محبت، بازی هدفمند و تقدم الگویی رفتار بر گفتار تربیت شود. تربیت فاطمی به معنای به رسمیت شناختن شأن والای کودک و ایجاد بستری امن است تا فضائل اخلاقی به صورت تجربی و غیرمستقیم در جان او بنشینند. نمود آن؛ اولویت دادن به رشد اخلاقی و تاب‌آوری فرزندان، پرهیز از تبعیض عاطفی میان کودکان، بازی و ساختن خاطرات شیرین معنوی در محیط خانه است. تجلی این روش، مشورت با فرزندان، اختصاص وقت کیفی برای شنیدن حرف‌های آنان و حفظ حریم عفاف و ادب است. در این شیوه، خانه پیش از آنکه محلی برای امر و نهی باشد، کارگاه عملی مکارم اخلاق و جلوه احترام متقابل است.

■ رکن پنجم: رکن اجتماعی و آرمانی؛ مسئولیت اجتماعی و ایثار

خانه فاطمی دیوارهای بسته و نفوذناپذیر در برابر رنج‌های امت ندارد. سوره مبارکه انسان «و غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند» تابلو تمام‌عیار این دغدغه‌مندی است. با توجه به شأن نزول و پیام این آیه در ساحت خانواده، این رویداد نشان می‌دهد مواسات و انفاق در سیره اهل بیت(ع)، یک عمل فردی و مجزا نبوده؛ در واقع یک تصمیم و ایثار هماهنگ خانوادگی بود که در اوج نیاز و گرسنگی، تمام ارکان خانه، همدلانه سفره خود را به جامعه نیازمند پیوند می‌زنند.

این نگاه ایثارگرانه نشان می‌دهد خانواده مسلمان کانون همبستگی با امت است و پیش از آسایش خود، به التیام دردهای جامعه و یاری مظلومان می‌اندیشد. نمود امروزین آن؛ حضور فعال خانواده در دغدغه‌مندی نسبت به گره‌های زندگی همسایگان و بیستگان و تربیت فرزندی که درد جامعه و امت را درد خود بداند، است. راه‌های تجلی آن تخصیص سهمی از درآمد برای انفاق، گره‌گشایی خانوادگی از مشکلات فامیل و موضع‌گیری همدلانه در حوادث جهان اسلام است. خانواده با این وسعت دید، از پیله تنگ انزوا خارج می‌شود و فرزندان در متن این همیاری و مواسات، درس غیرت دینی و زیست شرافتمندانه را می‌آموزند.

■ رکن ششم: رکن مدیریتی و تقسیم کار

در هندسه خانواده فاطمی، خانه یک فضای ایستا و بی‌تحرك نیست؛ یک سنگر فرهنگی و تمدنی است که اداره آن نیازمند مدیریتی حکیمانه است. در سیره این خاندان توانایی تقسیم‌کار در زندگی، یک انتخاب آگاهانه و راهبردی بود. هنگامی که پیامبر اکرم(ص) میان امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهر(اس) داوری کرد و کارهای داخل خانه را به حضرت صدیقه طاهره(س) و کارهای بیرون را به حضرت امام علی(ع) واگذار کرد، حضرت زهر(اس) با شادمانی فرمود: «خدا می‌داند که چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از برخورد با مردان نامحرم رها کند». این روایت، خانه‌داری را از یک فعالیت خدماتی به یک مدیریت فعال و همسان یا فراتر از اشتغال در بیرون از خانه ارتقایی دهد؛ جایگاهی که در آن، بانوی خانه با تدبیر خود، محیط رشد فرزندان و آرامش همسر را طراحی و مدیریت می‌کند. در زندگی‌های امروزی، این الگو باید مینا قرار گیرد، نه به معنای ناتوانی، بلکه به معنای انتخاب آگاهانه برای حفظ کیان خانواده. تر زن از فاطمی با درک این واقعیت که خانه، کانون اصلی تربیت نسل و آرامش جامعه است، اولویت خود را بر محور تدبیر منزل قرار می‌دهد. تقسیم وظایف در خانواده فاطمی بر پایه حکمت و توافق زوجین برای رشد و بهره‌وری تنظیم می‌شود؛ جایی که زن با انتخاب آگاهانه این جایگاه، محور انسجام خانواده و مدیریت عواطف و تربیت می‌شود؛ چرا که زن با این مدیریت راهبردی، علاوه بر خانواده، جامعه را از درون همین خانه مدیریت می‌کند و می‌سازد.

■ رکن هفتم: حریم‌داری و کنشگری اجتماعی

زیست فاطمی بدون «حیا» و «عفاف» ناقص و بی‌معناست. حیا در فرهنگ فاطمی، محدود به یک پوشش ظاهری نیست؛ مراعاتی شرعی، اخلاقی و حریم‌داری درونی و بیرونی است که تمام شئون و ابعاد زندگی را پوشش می‌دهد. در روایت فاطمی تصریح شده که اوج کمال زن در این است که «نه نامحرمی را نبیند و نه نامحرم او را ببیند» این حریم‌داری حادثاثری، چنان است که بانو حضرت زهر(اس) در مواجهه با فرد نابینا، خود را می‌پوشاند و در پاسخ به پرسش چرایی آن، می‌فرماید: «اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم».

این کلام نوبانی، ترسیم‌گر الگوی عفاف فعال است. اینجا حیا محدودیت تحمیلی نیست؛ نوعی قدرت انتخاب است. حضرت زهر(اس) با این فرمایش و سیره عملی، به زن مسلمان می‌آموزد که حریم و جودی خویش را چنان گرانسنگ بداند که حتی در نبود نگاه مخاطب نیز، عزت نفس و وقار خود را در عالی‌ترین مرتبه حفظ کند. در واقع، این روایت بیانگر یک فلسفه حریم‌داری است؛ یعنی حیا و عفاف فاطمی پیش از آنکه ناظر به نگاه دیگران باشد، برخاسته از انضباط درونی و شرافت ذاتی است.

این رکن اما به هیچ روی به معنای انزوای اجتماعی نیست؛ از نگاه تمدنی، نهاد خانواده سلول بنیادین جامعه اسلامی است و از همین رو، خانه‌داری و تدبیر امور منزل توسط بانوی فاطمی، نه یک امر شخصی، که عالی‌ترین نوع کنشگری اجتماعی محسوب می‌شود. براین مینا، معیار کنشگری در خانواده فاطمی، حضور فیزیکی زن در معابر یا اشتغال بیرونی نیست، بلکه اثرگذاری اجتماعی ملاک است؛ چه بسا بانویی که در قامت مادری و مدیریت خانه، کنشگری راهبردی دارد و در مقابل، زنی که در متن اجتماع حضور دارد اما از اثرگذاری تمدنی تهی است. البته در خانواده فاطمی «ضرورت» حکمفرماست؛ حضور فیزیکی در جامعه، چنانچه با حفاظ عفاف و حجاب همراه باشد نه تنها مانعی ندارد، که در بزنگاه‌های ضرورت، تکلیفی واجب می‌شود.

همان طور که حضرت صدیقه طاهره(س) برای دفاع از ولایت به مسجد رفت و خطبه خواند و به تاسی از ایشان، حضرت زینب کبری(س) و حضرت فاطمه معصومه(س) با حضور افشاگرانه و تبیین گرانه خود در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، حماسه آفریدند. بنابراین، زیست عقیفانه به معنای فعالیت مسئولانه در زمان نیاز است.